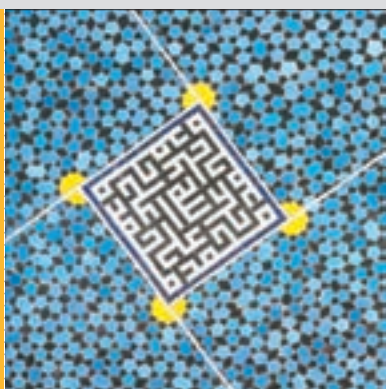


فرهنگ ما ایرانیان

فصل سوم



▲ شهر سوخته با قدمت ۵۰۰۰ سال در سیستان



▲ مراسم گلاب‌گیری در قمصر کاشان





اهداف فصل سوم

- در پایان این فصل، انتظار می‌رود دانش آموز:
- ۱- آشنایی لازم با سابقه فرهنگی ما ایرانیان را به دست آورد.
 - ۲- مناسبات فرهنگ اسلام و ایران را تبیین کند.
 - ۳- پیوستگی فرهنگی ایرانیان را درک کند و در تداوم آن بکوشد.
 - ۴- با اهمیت و ضرورت انسجام فرهنگی آشنا باشد و برای تقویت وحدت ملی تلاش کند.
 - ۵- روحیه «خودباوری فرهنگی» را در خود تقویت کرده باشد.
 - ۶- به ویژگی‌های مثبت فرهنگ ایرانیان باور داشته باشد و توانایی اصلاح خلیقات منفی را به دست آورده باشد.



درس اول

تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان



◆ فرهنگ ایران از گذشته‌های دور تاکنون

«تداوم فرهنگی» یا «پیوستگی فرهنگی» در یک کشور، به چه معناست؟ وجود تداوم فرهنگی، چه دستاوردها و پیامدهایی دارد؟

سرزمین ما ایران، یکی از تمدن‌های کهن و از جوامع دیرپا و کهن جهان است که سابقه تمدنی آن به بیش از هفت هزار سال قبل می‌رسد و سکونتگاه نخستین انسان‌های ابزارساز بوده است. اجداد ما، در قالب اقوام مختلف، از هزاران سال قبل، در این سرزمین زیسته‌اند و فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود را داشته‌اند. یکی از ویژگی‌های مهم فرهنگی ما ایرانیان، که در بین ملل دیگر به ندرت هم‌تا و مشابه دارد، استمرار فرهنگی یا «تداوم و پیوستگی فرهنگی» آن در طول تاریخ است.



«تداوم و پیوستگی» فرهنگ ایرانی به این معناست که برخی از ویژگی‌ها و عناصر فرهنگ ایرانی در طول زمان حفظ شده و استمرار یافته و کمتر دچار تحولات بنیادی شده است.



فرهنگ ایرانی، در طول چند هزار سال گذشته، پایدار و منسجم باقی مانده و عناصر کلیدی و اصلی خود را در فراز و نشیب‌های فراوان، حفظ کرده است. این فرهنگ از نسلی به نسل بعد منتقل شده و تا امروز، تداوم یافته است. بسیاری از آداب و رسوم امروز ما، ریشه در تاریخ چند هزار ساله ایران دارد و نیاکان ما هم، همانند آن عمل می‌کردند. بر این اساس، میان قدیمی‌ترین نشانه‌ها و آثار فرهنگی که در کاوش‌های باستان‌شناسانه و مطالعات تاریخی به دست آمده، و نیز میان آیین‌ها و مراسم باقی مانده از گذشته‌های دور، با عناصر فرهنگ کنونی ایرانیان، یک «پیوستگی» بارز و قابل اثبات، مشاهده می‌شود. این پیوستگی، نشان می‌دهد که به‌رغم گسست‌های سیاسی و تحولات عمیق در تاریخ این سرزمین، «فرهنگ ایرانی» دچار گسست نشده و سیر پیوسته و تکاملی خود را ادامه داده است.

تداوم و پیوستگی فرهنگی، به معنای عدم تغییر و تحول در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران نیست. جامعه ایران، مانند همه جوامع دیگر، تحت تأثیر شرایط محیطی، ته‌اجمات خارجی، تغییرات آب‌وهوایی، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی جمعیت، پدید آمدن و از بین رفتن شهرها و زیستگاه‌های انسانی و ... همواره دچار تغییراتی بوده است. آمد و رفت دولت‌ها و حکومت‌ها با گرایش‌ها و باورهای متفاوت و منافع خاص خود، باعث تحولات مهم در جامعه ایران شده است، اما آنچه در این میان ثابت مانده، عناصر اصلی فرهنگی و «روح جمعی» حاکم بر ایران است که «تداوم فرهنگی» را به اثبات می‌رساند. به بیان دیگر ما، در تاریخ طولانی خود، گسست سیاسی داشته‌ایم، اما گسست فرهنگی نداشته‌ایم.



یکی از عناصر مهم فرهنگ، زبان و ادبیات است که آرمان‌ها، اهداف، باورها و رفتار مردم را متجلی و پایدار می‌سازد. پیوستگی فرهنگی سبب شده است تا زبان و ادبیات فارسی طی صدها سال، حفظ شده و اندک تغییراتی داشته است. به همین دلیل ما اشعار و ادبیات شاعران قرن‌های قبل مانند رودکی یا فردوسی را به خوبی و راحتی درک کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کنیم.

ابعاد تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان، محدود به مرزهای داخل کشور نیست بلکه حوزه‌های دیگر، مانند آسیای مرکزی، منطقه قفقاز، افغانستان و شبه جزیره هندراهم در بر گرفته است. از دیگر ویژگی‌های نسبتاً ثابت فرهنگ ایرانی، باورها، اعتقادات، سبک زندگی و نحوه پوشش آنها است که در آثار مکتوب، سنگ‌نبشته‌ها، تصاویر و نقاشی‌های باقی مانده از گذشته، قابل مشاهده است و تداوم فرهنگی را به خوبی نشان می‌دهد.

پیوستگی فرهنگی، باعث ثبات هویت ملی، تقویت خودباوری، انباشت و نگهداشت تجربیات فرهنگی و افزایش توانایی برای بهره‌بردن از سرمایه‌های ملی و انسانی شده است.

ابیات زیر از رودکی را کامل کنید و شباهت و تفاوت زبانی و معنایی آنها را با اشعار رایج امروز مشخص کنید:

- بوی جوی مولیان آید همی
- زمانه، چون نگری سر به سر همه پند است



جشن نوروز

شواهدی از هزاره سوم پیش از میلاد به بعد، از برپایی دو جشن مهم ملی حکایت می‌کند: یکی در آغاز فصل گرما (جشن نوروز) و دیگری در آغاز فصل سرما (جشن مهرگان). این دو جشن در سراسر منطقه وسیع فلات ایران تا بین‌النهرین گسترده بوده و مراسم آن برگزار می‌شده است. ایرانیان در دوران هخامنشی به خوبی با «جشن نوروز» آشنا بوده‌اند. هر سال، مردمان و حاکمان ملل تابع هخامنشیان، با پوشاک قومی خود در تخت جمشید (پارسه) که کاخ و نیایشگاه هخامنشیان بوده، گرد می‌آمدند و «نوروز» را در حضور شاه و بزرگان کشور جشن می‌گرفتند. در دوران تشریف ایرانیان به دین اسلام، جشن نوروز همچنان حفظ و گرامی داشته می‌شد و مورد تأیید رهبران مذهبی قرار می‌گرفت. در زمان سلطان ملک‌شاه سلجوقی (۴۹۵-۴۸۵ ق)، اول فروردین ماه به عنوان آغاز سال خورشیدی تثبیت شد و مراسم جشن، به مناسبت حلول سال جدید برگزار می‌شده است. از آیین‌ها و مراسم مرتبط با نوروز، می‌توان از «حاجی فیروز»، «خوان نوروز» (هفت سین)، «نوروزانه» (عیدی دادن) و «عید دیدنی» یاد کرد. در قدیم، در صبح عید نوروز، ظرف خوراکی کودکان‌های که با کنجد، گندم، شاهدانه، نخودچی و کشمش پر شده بود و با یک بشقاب نان شیرینی به همراه تخم مرغ رنگی، به کوچک‌ترها عیدی داده می‌شد.



بیشتر بدانیم



▲ آیین نوروز در دوره قاجار



▲ زنده کردن دوباره آیین میر نوروزی

به نظر شما، آداب و رسوم عید نوروز، چه نقشی در پیوستگی فرهنگی اقوام ایرانی دارد؟ از این مراسم، چگونه می‌توان برای تقویت پیوستگی با مردم سایر کشورهای حوزه تمدنی ایران، استفاده کرد؟



مراحل مهم تاریخ فرهنگی ایران

در درس تاریخ، با سیر تحولات تاریخی و «تاریخ سیاسی» ایران آشنا شده‌اید. «تاریخ فرهنگی» ایران نیز دارای سیر تحول و ویژگی‌های خاص خود است. با وجود یکپارچگی و پیوستگی فرهنگی ایران در طول تاریخ، چند دوران خاص در مسیر تحولات فرهنگی در این سرزمین، جایگاه برجسته و تعیین‌کننده دارند که شامل موارد زیر می‌باشند:

۱- دوران پیش از اسلام

ویژگی‌های فرهنگی ایران باستان، کدام است؟ همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و گروه‌ها و مذاهب، در سرزمین پهناور ایران، چگونه بوده است؟ آیا پوشش و پوشیدگی زنان و مردان ایرانی، از آن زمان تاکنون استمرار یافته است؟



▲ سنگ‌نگاره‌های تیمره (منطقه‌ای مابین سه استان اصفهان، مرکزی و لرستان)

سرزمین کنونی ما بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است. این سرزمین، با تنوع اقلیمی و زیستی خود، دارای وحدت و پیوستگی فرهنگی بوده است. مردمان ساکن در این منطقه، در دوران باستان، با بهره‌مندی از نبوغ و خلاقیت خود، توانستند تمدن بزرگی را بیافرینند و خدمات فراوانی به بشریت عرضه کنند.

طبق اسناد تاریخی و به گواهی بسیاری از مورخان، نویسندگان و حتی مستشرقان منصف، فرهنگ ایرانی در این دوران از برجستگی‌های ویژه‌ای برخوردار بوده است و مردم ایران به لحاظ فرهنگی، علاقه‌مند به دانش، صلح‌دوست، اهل مدارا، هنردوست و راستگو بوده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی مهاجمان و مهاجران به این سرزمین، پس از مدتی، تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفته و از پیروان آن شده‌اند.

طراحی و احداث بنای عظیم تخت جمشید، برپایی تمدن شهر سوخته در سیستان، تمدن جیرفت در کرمان، بنای ارگ بم و... نشان از هوش، ذکاوت، دانش فنی و رشد فرهنگی ایرانیان دارد.



▲ محوطه باستانی جندی شاپور

درباره «جندی شاپور» به عنوان یکی از مراکز علمی و پزشکی ایران قدیم، تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

۲- دوران اسلامی

اسلام چگونه وارد ایران شد؟ دلیل پذیرش اسلام، توسط اکثریت ایرانیان چه بود؟ پس از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و ابلاغ آخرین پیام الهی به جهانیان، ایرانیان نیز، مانند بسیاری از اقوام و گروه‌ها، مشتاقانه و آزادانه اسلام را پذیرفتند. معارف اسلام و جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی آن، از جمله توحیدمحوری، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، صلح‌دوستی، رأفت و اخوت و تکریم شخصیت انسانی، با هویت ملی ایرانیان نزدیکی و همخوانی داشت. تعالیم انسان‌دوستانه و مترقی اسلام از یک سو، و تبعیض‌طلبی و ظلم و بی‌عدالتی حاکم بر کشور از سوی دیگر، سبب شد تا ایرانیان با اشتیاق کامل، اسلام را بپذیرند. آنان به تدریج و گام به گام، به اسلام ایمان آوردند و در طول تاریخ از آن حفاظت و صیانت کردند.

استقبال از اسلام و پذیرش آیین جدید براساس روحیه حقیقت‌جویی، پیوندی عمیق و همیشگی بین عناصر فرهنگی اسلام با عناصر فرهنگی ایرانیان، برقرار کرده و باعث تداوم فرهنگی ایرانیان شده است. توحیدگرایی ایرانیان و تجارب کشورداری و تمدن‌سازی ایشان، پیوند این دو فرهنگ را تقویت کرد، به‌گونه‌ای که در این تعامل و ارتباط دوسویه، هم آموزه‌های متعالی اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران را غنی ساخت و ارتقا بخشید و هم مسلمانان، با بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردهای عظیم فرهنگی و تمدنی ایران پیش از اسلام، تمدن اسلامی را شکوفا نمودند.



▲ مسجد نصیر الملک در شیراز نمادی از معماری اسلامی

بعد فرهنگی اسلام مهم‌ترین و اساسی‌ترین بعد اسلام است. تصادفی نیست که وحی الهی بر پیغمبر اسلام ﷺ با این آیات شروع شده است: «إقرأ وربك الأكرم الذي علم بالقلم علم الإنسان ما لم يعلم.» این آیات، اهمیت و اساسی بودن بعد فرهنگی اسلام را نشان می‌دهد.





ایران در قرون طلایی تمدن اسلامی، کانون شکوفایی و رشد تمدن اسلام بوده است و دانشمندان و اندیشمندان بزرگی در رشته‌ها و حوزه‌های علمی مختلف، در این سرزمین ظهور کردند که از جمله آنان، ابونصر فارابی، محمدبن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، ابن سینا، مولوی، حافظ، سعدی و بسیاری دیگر، شهرت جهانی دارند. آنان تلاش بسیاری در حفظ زبان فارسی به عنوان عامل هویت بخش ایرانی داشته‌اند و با استفاده از ظرفیت زبان عربی، برای غنی‌سازی و ارتقای آن کوشیدند و آن را به زبان دوم جهان اسلام تبدیل کردند.

افزون بر این، مسلمانان برای اداره و حفظ قلمرو خود، آیین مملکت‌داری و سازمان‌های دیوانی را از ممالک متمدن، و بیش از همه از ایرانیان، فراگرفتند و برای کسب مهارت و فنون، به انتقال میراث تمدن کهن ایران پرداختند. این رویکرد، باعث تقویت بنیان‌های تمدن نوپای اسلامی و احیای تمدن کهن ایران شد. انتقال فرهنگ ایران از دوران ساسانی به دوران اسلامی، به یک باره روی نداد، بلکه طی مدتی طولانی و آرام صورت گرفت. همین انتقال تدریجی، باعث شد شناخت ایرانیان از اسلام، براساس رفتار خشونت‌آمیز و عملکرد غیردینی برخی از مدعیان دین و یا تحت تأثیر تعصبات ناروای حاکمان اموی و عباسی، صورت نگیرد، بلکه ایرانیان، تعالیم اسلام را با تفکر و تحقیق و بررسی، از سرچشمه زلال آن، یعنی آیات قرآنی و معارف نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام به دست آوردند. به همین سبب، فرهیختگان ایرانی، افق دید و باورشان از اسلام، بسیار ژرف‌تر از دایره تنگ نظری‌های خلفای اموی و عباسی بوده و از این‌رو توانستند خدمات بسیار ارزنده‌ای به جامعه اسلامی و جامعه جهانی عرضه کنند.

با پذیرش اسلام، پیوستگی فرهنگی ایرانیان، نه تنها تضعیف نشد، بلکه فرهنگ ایرانی بالنده و متعالی شد. این پیوستگی فرهنگی و نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده آن، به حدی است که امروزه سخن گفتن از تمدن اسلامی بدون نام ایران، امکان‌پذیر نیست، همچنان که فرهنگ ایرانی از تعالیم اسلامی و آموزه‌های وحیانی، جدایی‌ناپذیر است. در نتیجه، باید از خدمات متقابل ایران و اسلام سخن گفت. عناصر این دو فرهنگ، چنان در هم تنیده

و آمیخته شده‌اند که تفکیک آنها از هم و دوپاره کردن آنها، امکان‌پذیر نیست. ترکیب آنها با هم، یک کل واحد و منسجم را ساخته است، به طوری که امروزه ما با یک فرهنگ و هویت در هم تنیده و یکپارچه روبه‌رو هستیم.



▲ سقف آرامگاه حافظ در شیراز نمونه‌ای زیبا از ترکیب معماری ایرانی - اسلامی

بررسی و تحقیق کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفت‌وگو کنید

مرکز آموزشی «ربع رشیدی» در چه زمانی و توسط چه کسی و در کجا ساخته شد؟ ویژگی‌های علمی و فرهنگی آن چیست؟ تأکید اسلام بر علم‌آموزی و عمومی کردن دانش، چه تأثیری بر گسترش مراکز آموزشی داشته است؟



مسجد امام اصفهان؛ نمونه‌ای از ترکیب فرهنگ اسلام و ایران با هنر و صنعت روز

سنت‌های ملی و آرمان‌ها و شعائر و مفاهیم دینی، در «مسجد امام اصفهان»، با عظمت و شکوهی تحسین‌برانگیز، تجلی یافته و آن را

در شمار یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای معماری جهان قرار داده است. جلوخان مسجد، حالتی دعوت‌کننده دارد و جمعیت بیرون را به پناه، امنیت، آرامش و معنویت در مسجد فرا می‌خواند. نمای حیاط، به دالان‌ها و طاقچه‌ها و توده‌های مُقرَس‌های روشن و نوارهای بلندی از کتیبه‌های سفید درخشان آراسته است و سراسر آن را کاشی‌های معرّق الوان پوشانده که مایه‌های آبی بر بالای پوشش زیرین مرمر آن با مایه‌های طلایی آمیخته است.

دو قاب که در دو طرف مدخل قرار گرفته، طرح سجاده دارد که نمازگزار بر روی آن نماز می‌خواند. جلوخان رو به شمال است؛ همچنان که ضرورت میدان بوده، ولی از آنجا که محراب می‌باید رو به قبله باشد، یعنی شمال شرق به جنوب غرب، برای جلوگیری از قناس شدن بنا، سلیقه و دقت بسیار به کار رفته است. شخص از جلوخان وارد دهلیزی عالی می‌شود که از ویژگی‌های فرهنگی بناهای تاریخی ایران از زمان‌های قدیم بوده و هدف از آن، دور داشتن محارم منزل، از نگاه نامحرم بوده است. این دهلیز، مدور است و از این رو هیچ وجهی ندارد و می‌توان آن را پاشنه‌ای در نظر گرفت که محور بنا به روی آن می‌چرخد. دهلیز، رو به طاق بلند ایوان شمالی باز می‌شود و از عمق تاریک آن، انسان ناگهان حیاط روشن از آفتاب را می‌بیند. اگر در بناهای دیگر، شکوه رنگ و عظمت سردر و گنبد خیره‌کننده است، در این بنا، تکرار خوش‌آهنگ عناصر ساختمانی و طاق‌نماهای متقارن و ایوان‌های متعادل و آرامش حوض بزرگ وضو و اثر یک‌دست‌کننده رنگی فراگیر، که در همه‌جا گسترده، چشم بیننده را خیره می‌کند.

نقشه‌پی و ساختمان بنا، هر دو نشان‌دهنده اعتقاد به سادگی اسلامی است و مفهومی بنیادی را نمایان و بیان می‌کند که همانا برادری و برابری مؤمنانی است که همگی از دسترسی بی‌واسطه به رحمت خداوندی برخوردار شده‌اند.



پیشتر بدانیم

تزیینات، همگی سنتی است و تکرار نقش‌های نمادی ایران باستان در زمینه نعمت و برکت. تقریباً سراسر سطح بنا، با کاشی‌های لعاب‌دار پوشیده شده که پر از نقش و نگار گل و بوته به صورت مجرد و تخیلی است.

از آفتاب بزرگ زرینِ نوک گنبد، که زندگی بخشی‌اش از طریق تودهٔ عظیم گل و بوته‌ها منتشر می‌شود، تا طاق‌های بلند و قاب‌های آراسته به هزاران شکوفه و گل ستاره مانند تا پیچک‌های سیال شبکه‌های پنجره‌ها و در کل همهٔ این آرایش‌ها، تأکیدی است بر علاقهٔ ایرانی‌ها به رویش و عشق شاعرانه‌شان به گل.

این مسجد، با نقشه و ساختارش، شیوهٔ زندگی اسلامی را آشکار و با هزاران کتیبه‌اش، آیات قرآنی را باز می‌گوید.

۳- دوران جدید

ارتباطات و تعاملات فرهنگی ایرانیان با تمدن جدید غرب، از چه زمانی و چگونه آغاز شده است؟ این ارتباطات، چه پیامدهای فرهنگی، به همراه داشته است؟ اعزام دانشجوی به غرب، در چه دوره‌ای انجام شد؟



عکس یادگاری در مقابل سالن مک کورمیک کالج آمریکایی تهران

فرهنگ مدرن، پس از رنسانس در اروپا، با نفی فرهنگ سنتی رایج و براساس اندیشه «انسان محوری»، به وجود آمد و دوران «مدرنیته» و «مدرنیسم» شکل گرفت. در گذر زمان، این فرهنگ و مبانی فلسفی و نظری آن، به همراه دستاوردهای عینی و مادی مدرن، به سایر کشورها از جمله ایران، منتقل شد و مبادلات فرهنگی غرب با دیگران، براساس اندیشه و فرهنگ جدید، آغاز شد.

پیشینه تعامل ایرانیان با «غرب جدید»، به دوره صفویه، در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی می‌رسد، اما اوج ورود مدرنیته به ایران، در دوره قاجار و پهلوی بوده است که در خلال آن، حکومت و برخی از روشنفکران، با خودباختگی کامل، و برتر دانستن فرهنگ غرب، سعی در پذیرش و الگوپذیری بی چون و چرا از آنان را داشته‌اند. آنها با وارد کردن صنایع و کالاهای غربی، در تلاش بوده‌اند تا ظواهری از فرهنگ غرب را نیز به کشور وارد کرده و حاکم نمایند. ضعف و انحطاط حکومت‌های سیاسی در این دوره، ضعف فکری و فرهنگی را به همراه داشت و با تضعیف «خودباوری ملی»، فرهنگ «غرب‌گرایی» در کشور ترویج می‌شد.

تمدن جدید غرب، برای گسترش حوزه فرهنگی و تأمین منابع اقتصادی خویش، در تلاش بوده است با هجوم به سایر فرهنگ‌ها، فرهنگ «دیگران» را تضعیف و تخریب نماید و از این طریق فرهنگ «خود» را حاکم سازد. ایرانیان نیز مانند سایر کشورها، در معرض هجوم‌های فرهنگی غرب قرار گرفتند و نشانه‌ها و نمودهایی از «خودبیگانگی فرهنگی» در کشور، آشکار شد. این خودباختگی در برابر فرهنگ مهاجم، زمینه گسست فرهنگی و از بین رفتن سرمایه‌ها و میراث ارزشمند فرهنگی را به همراه آورد. اما متفکران و اندیشمندان مانند



جلال آل احمد، شهید مرتضی مطهری، دکتر علی شریعتی، و امام خمینی علیه السلام، بر این خودباختگی شوریدند و موجبات بیداری و هوشیاری جامعه را فراهم آوردند.

در این رویارویی فرهنگی، ایرانیان توانستند برخلاف بسیاری دیگر از ملت‌ها و فرهنگ‌ها، جوهره و اصالت فرهنگی خویش را حفظ کنند و واکنش سازنده‌ای نسبت به فرهنگ غرب داشته باشند. آنان با تکیه بر پیشینه تمدنی و فرهنگی خود، سعی کردند هوشمندانه و آگاهانه با تمدن جدید روبه‌رو شوند،

به نحوی که مقهور و مرعوب آنان نشده، و برخی از عناصر فرهنگ غرب را که با فرهنگ بومی همخوانی و همسویی داشت به تدریج پذیرفتند و برخی دیگر را رد کردند. در نتیجه تداوم و پیوستگی فرهنگی خود را حفظ نمودند.

بررسی و تحقیق کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفت‌وگو کنید

خودباوری فرهنگی به چه معناست؟ آثار و نشانه‌های آن کدام است؟ برای تقویت «خودباوری فرهنگی» چه باید کرد؟



تحریر تاریخ:

برخی از نویسندگان ایرانی، مانند جلال‌الدین میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۸۹-۱۳۳۴ ق)، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۹۵-۱۳۲۸ ق)، میرزا ملکم خان (۱۳۲۶-۱۳۴۹ ق)، آقاخان کرمانی (۱۳۱۴-۱۳۷۰ ق)، که مروج آرای نویسندگان قرن هجدهم فرانسه، از جمله منتسکیو، ولتر و روسو در ایران بودند، سخنان بی‌اساس و کینه‌توزانه‌ای در مورد ورود اسلام به ایران بیان کرده‌اند که فاقد ژرف‌اندیشی علمی و سند تاریخی است.

این گروه با ترویج غرب‌گرایی و گسترش ارزش‌های غربی، بزرگداشت افراطی اساطیر ایران باستان، تلاش برای تغییر خط ایران به خط پهلوی، برتری دادن ملیت ایرانی بر سایر ملل، بی‌زاری از ورود اسلام به ایران و حمله مغولان به ایران، درصدد بودند تصویری منفی و سیاه، از اسلام ارائه کنند و دین آسمانی و وحیانی اسلام را، دین اعراب جاهلی معرفی نمایند.

این رویکرد نادرست در دوران پهلوی، مورد حمایت قرار گرفت و به تعارض میان پیشینه هویتی ایرانیان منجر شد. در این دوره، وابستگان به رژیم شاهنشاهی و دلدادگان فرهنگ غرب، با برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله کوشیدند تا میان مؤلفه‌های فرهنگی ایران و اسلام اختلاف و فاصله ایجاد کنند.



▲ میرزا فتحعلی آخوندزاده

۴- دوران انقلاب اسلامی

عناصر اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی کدام است؟ اعتقادات و باورهای فرهنگی مردم، چه نقشی در پیدایش و پیروزی انقلاب داشته است؟ ارزش‌های انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند پیوستگی فرهنگی و پویایی آن را تداوم بخشد؟

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از انقلاب‌های برجسته قرن بیستم، یک انقلاب فرهنگی است که ریشه در اعتقادات، باورها و ارزش‌های مردم ایران دارد

و از تعالیم آسمانی اسلام، سرچشمه گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام و حضور گسترده و ایثارگرانه مردم، سرآغاز دوران جدیدی برای تقویت «خودباوری»، و بازگشت به ارزش‌ها و باورهای فرهنگ توحیدی و در نهایت «تداوم فرهنگی» به حساب می‌آید.

از آنجا که در دوره پهلوی، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی مردم، مورد هجوم حکومت و غرب‌گرایان قرار می‌گرفت، در دوره انقلاب اسلامی، با بازگشت به خویش، تلاش می‌شود تا معارف و ارزش‌های اسلامی در جامعه حاکم و هویت اسلامی و ایرانی مردم تقویت شود.

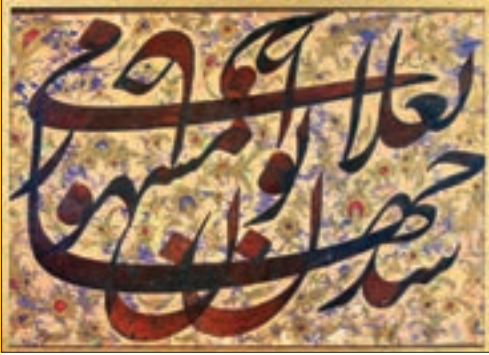
دشمنان انقلاب و مردم، با درک اهداف و پیام‌های خداباورانه آن، از آغازین روزهای پیروزی، درصدد مخالفت با آن برآمدند و از تمام امکانات و ظرفیت‌های خود، برای شکست و نابودی انقلاب اسلامی استفاده کرده‌اند. اوج این تهاجم‌ها، در جنگ تحمیلی هشت ساله قابل مشاهده و مطالعه است که رژیم متجاوز صدام، به نمایندگی از امپریالیسم جهانی و با مشارکت و حمایت بسیاری از کشورها، با ارتشی مجهز و تجهیزات

نظامی فراوان، به ایران حمله کرد. حمله صدام و حامیانش، صرفاً حمله به خاک ایران نبود، بلکه علاوه بر آن، به باورها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی و انقلابی مردم ایران حمله کردند. حضور آگاهانه و داوطلبانه مردم از تمام اقوام و گروه‌ها در جبهه‌های نبرد و هوشیاری و حسن تدبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مجاهدت‌ها و ازجان گذشتگی به‌یادماندنی رزمندگان، ایثارگران و شهدای گران‌قدر و برخورداری آنان از روحیه خداباوری و دین‌مداری، سلحشوری، ظلم‌ستیزی، وطن‌دوستی، فتوت و غیرتمندی، باعث پیروزی لشکریان اسلام و حفظ هویت و پیوستگی فرهنگی شد. در این جنگ نابرابر، نه تنها یک وجب از خاک ایران عزیز در اشغال آنان باقی نماند، بلکه ارزش‌های فرهنگی، تداوم یافت و «پیوستگی فرهنگی» تقویت شد.



صیانت از میراث فرهنگی

همان گونه که خواندیم، فرهنگ امروز ما، از گذشته‌های بسیار دور، نسل به نسل، منتقل شده و به عنوان «میراث فرهنگی» به ما رسیده است. در این مسیر طولانی و پرفراز و نشیب، نیاکان و اجداد ما، تلاش‌ها، مجاهدت‌ها و جان‌فشانی‌های فراوانی کرده‌اند تا بتوانند از هویت ملی و فرهنگ اسلامی-ایرانی خویش پاسداری کنند.



عجم زنده کردم بدین پارسی

که از باد و باران نیابد گزند

«فردوسی»

بسی رنج بردم در این سال سی

پی افکندم از نظم کاخی بلند

گاهی مفهوم «میراث فرهنگی» تنها به بناها و آثار مشهود باقی مانده از گذشته گفته می‌شود؛ در صورتی که با توجه به تعاریف فرهنگ که قبلاً آموخته‌اید، «میراث فرهنگی» شامل تمام آثار باقی مانده از گذشتگان است که دارای ارزش فرهنگی هستند. این آثار می‌تواند در برگیرنده آثار محسوس و ملموس (مانند بناهای باستانی، ظروف، مجسمه‌ها و...) یا آثار نامحسوس و ناملموس (مانند آداب و رسوم، اعتقادات، سبک زندگی و...) باشد که امروزه در زندگی ما جریان دارد. آنچه امروز، از آثار فرهنگ محسوس می‌بینیم، دو برابر کل فرهنگ و موارث فرهنگی، مانند قطعه یخی در اقیانوس است که تنها بخشی از آن دیده می‌شود، در حالی که ریشه‌های ناپیدای فراوان دارد. میراث فرهنگی، هویت و شخصیت جمعی یک ملت است؛ بنابراین، همگان در پاسداری و نگهداشت آن مسئولیت دارند. امروزه که فرهنگ خدا محور اسلام با فرهنگ انسان محور غرب، رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند، و نظام سلطه با بهره‌گیری از تمام امکانات و ظرفیت خویش، در صدد گسترش و حاکمیت فرهنگ غرب در جهان بوده و با هجوم فرهنگی به جوامع دیگر، به تضعیف و نابودی سایر فرهنگ‌ها می‌اندیشد، لازم است با هوشیاری، از فرهنگ خودی (اعم از فرهنگ محسوس و غیر محسوس) صیانت کنیم، و امانت‌دار میراث گران‌بهای فرهنگمان باشیم و آن را به آیندگان تحویل دهیم.

«تداوم فرهنگی» و انتقال آن به آیندگان، نیازمند «خودباوری فرهنگی» و مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرد فرد ماست. حفظ سرزمین ما، در گروی حفظ فرهنگ است، و حفظ میراث فرهنگ غنی ملی ما، نیازمند آگاهی و هوشمندی و خودباوری جوانان این مرز و بوم است.



▲ بازسازی و مرمت ارگ بم

تعزیه خوانی

از زمان تشریف ایرانیان به دین اسلام، مردم ایران به ائمه معصوم علیهم السلام، عشق و ارادت خالصانه می‌ورزیدند. پس از شهادت جانشوز حضرت امام حسین علیه السلام و یاران



ایشان در صحرای کربلا، رفته‌رفته رسم تعزیت‌داری و سوگواری و گریستن بر شهادت شهیدان دین در ایران رایج شد تا اینکه در قرن‌های اول و دوم هجری، وجهی اجتماعی و نمود گسترده در سطح جامعه یافت؛ به‌طوری که در دوران حکومت آل بویه بر بغداد، این خاندان که شیعه و دوستدار اهل بیت علیهم السلام بودند، مردم را به عزاداری در نخستین دهه محرم، فرامی‌خواندند و آیین‌هایی را که تا آن زمان، برای برگزاری باشکوه این مراسم رایج شده بود، پاس می‌داشتند. به موازات برگزاری این مراسم، گونه‌ای از تاریخ‌نگاری حادثه عاشورا رشد کرد که امروزه «مقتل‌نگاری» خوانده می‌شود. نویسنده مقتل، برای تهییج خواننده یا شنونده رویداد مورد نظر جنبه‌های تصویری ماجرا را بسیار پررنگ و پرشور و حرارت روایت می‌کرد.

در کنار دو سنت عزاداری دسته‌جمعی و روضه‌خوانی، شیوه دیگری نیز برای هر چه بهتر نمایش دادن آنچه بر ائمه و پیشوایان گذشته بود، به کار گرفته شد که به آن، «شبییه‌خوانی» می‌گویند. شبیه‌خوانی در دوره صفویه در ایران رواج یافت و در دوره قاجاریه، به اوج کامل خود رسید و به‌نوعی، به تئاتر بومی و ملی ایران تبدیل شد؛ با این تفاوت که در شبیه‌خوانی، رویدادها چنان واقعی به نظر می‌رسید که گاه، «اشقیاء خوانان»، یعنی کسانی که نقش منفی را برعهده داشتند، در حین نمایش، بر مصائب حضرت امام حسین علیه السلام و یاران ایشان می‌گریستند.

با ظهور سلسله پهلوی و فرمان رضاشاه مبنی بر غدغن کردن برگزاری مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در سال ۱۳۱۱ش، و همچنین، گسترش جنگ جهانی دوم که مردم ایران را درگیر خود کرد، با وجود کوشش‌هایی که از سوی بازمانده تعزیه‌خوانان انجام گرفت، دیگر تعزیه و شبیه‌خوانی جایگاه پیشین خود را به‌دست نیاورد.

در سال‌های اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاقه‌مندان به سنت‌ها و رسوم ریشه‌دار ایرانی، می‌کوشند متون، شیوه‌های قرائت و ایفای نقش و حتی محل‌ها و جایگاه‌های برگزاری تعزیه را احیا کنند.

یادآوری: جشن نوروز و سنت تعزیه‌خوانی، به عنوان میراث فرهنگی و جهان‌شمول، در سازمان فرهنگی یونسکو به ثبت رسیده است.

درس دوم

انسجام فرهنگی ما ایرانیان



◆ اقوام ایرانی، با هم و در کنار هم

در مدرسه شما، دانش‌آموزان از چه گروه‌های قومی هستند و با چه لهجه‌ها و زبان‌هایی سخن می‌گویند؟ این تنوع و تکثر فرهنگی، چه فرصت‌هایی دارد و با چه تهدیدهایی روبه‌روست؟

همان گونه که در درس‌های قبل آموختید سرزمین ما ایران، کشوری وسیع و کهن و با تاریخ بیش از هفت هزار ساله است که اقوام مختلف با اعتقادات، آیین‌ها و عادت‌های گوناگون در آن زندگی می‌کنند. «ملت ایران» واقعیتی است یک پارچه از همه این تنوع‌ها و تکثرها که تاریخ مشترک، منافع مشترک، رنج‌ها و شادی‌های مشترک و اعتقادات و آرمان‌های مشترک، آنان را به هم پیوند زده و «موزائیک فرهنگی» اقوام را در ایران تشکیل داده است. ایران ما، به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی، شرایط آب و هوایی و زیستی، در طول تاریخ، همواره محل عبور و زندگی اقوام و ایلات مختلف با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت و متنوع بوده است. به همین دلیل، ایران را خاستگاه تنوع و چندگانگی فرهنگی دانسته‌اند و به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب از آن یاد می‌کنند. بدین جهت کشور ما در زمره کشورهای «چند فرهنگی» قلمداد می‌شود.

ما اگر به سایر نقاط و استان‌های کشور سفر کنیم، مشاهده می‌کنیم که با هم‌وطنان ساکن در این مناطق ونواحی، وجه مشترک فراوانی داریم و در بین آنها احساس غربت و تنهایی نمی‌کنیم. زبان رسمی کشور ما، فارسی است، هر چند زبان و گویش قومی و محلی نیز وجود دارد. دین اکثریت ملت ما، اسلام است، در حالی که مذاهب مختلف دیگری نیز وجود دارد و آنها را به رسمیت شناخته‌ایم، هم‌وطنان ما در استان‌های دیگر، از نظر لباس و پوشش، شباهت‌های زیادی با ما دارند، هر چند امکان دارد مدل و رنگ لباس آنها با ما متفاوت باشد. در برگزاری مراسم دینی و ملی مانند بزرگداشت ماه محرم، و یا برپایی جشن عید نوروز، بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی، و جوه مشترک فراوان داریم. علاوه بر آن، همه ما ایرانیان عشق و علاقه عمیقی به کشورمان داریم و با الهام از حدیث آموزنده «حب‌الوطن من الایمان»، دوست داشتن ایران را عزیز و مهم می‌دانیم.

به بیان دیگر، ما ایرانیان، علی‌رغم تفاوت‌ها، دارای باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای مشترک فراوان و نیز تاریخ و سرنوشت مشترک هستیم و احساس تعلق قوی برای به هم پیوستگی و «انسجام فرهنگی» بین ما وجود دارد. در نتیجه «انسجام فرهنگی» عبارت است از: «مجموعه‌ای از مشترکات فرهنگی محسوس و غیر محسوس در جامعه که امکان تداوم آنها وجود دارد».



تنوع و گوناگونی فرهنگ در ایران

به کدام یک از استان‌های ایران سفر کرده‌اید؟
مردم آنجا دارای چه ویژگی‌های فرهنگی هستند؟
درباره کدام یک از اقوام ایرانی و آداب و رسوم
آنها مطالعه دارید؟

در همه جوامع، گروه‌هایی با ویژگی‌های فرهنگی
مختص به خود وجود دارند که آنها را از فرهنگ
اصلی و مسلط جامعه مجزا و متمایز می‌کند. این

گروه‌ها، گرچه دارای ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ محسوس ویژه خود هستند، اما مبانی و وجوه مشترک فراوانی
با فرهنگ جامعه دارند. این گروه‌های درون جامعه ملی را «خرده فرهنگ» می‌نامند.

جامعه ایران، علاوه بر دارا بودن «خرده فرهنگ‌های» متعدد، دارای «تنوع فرهنگی» نیز هست و هر یک از اقوام
ایرانی، بایشینه تاریخی خود، باورها و آداب و رسوم خاص خود را دارند و روش زندگی آنان باهم متفاوت است.
تنوع فرهنگی در تفاوت‌های زبانی و لهجه‌ای، اعتقادات دینی و مذهبی، آداب و رسوم و سبک زندگی و... نمود
می‌یابد.



بررسی کنید



آیا تاکنون در جشنواره‌های
فرهنگی و هنری و یا مسابقات
ورزشی دانش‌آموزی شرکت
کرده‌اید؟ یکی از برنامه‌های این
مراسم، خیرمقدم گفتن نمایندگان
استان‌ها، به زبان و گویش محلی و
با لباس و پوشش سنتی است که

مورد استقبال و تشویق شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد. آیا می‌توانید جمله زیر را با کمک
سایر دانش‌آموزان به زبان‌ها و گویش‌های مختلف، در کلاس اجرا کنید؟
«دوستان عزیز سلام، از دیدن شما و آشنایی با شما خوشحال هستم. موفقیت شما را تبریک
می‌گویم. ما «همه با هم» باید کشورمان را بسازیم و آن را توسعه دهیم.»
آیا تفاوت لغات و واژگان در این زبان‌ها و گویش‌ها، تفاوت معنا و مفهوم را به همراه دارد؟
آیا این تفاوت‌ها می‌تواند باعث برتری یک زبان یا یک فرد بر دیگری باشد؟

دلایل تنوع فرهنگی

چرا مردمان سرزمین ما ایران، دارای آداب، رسوم و هنجارهای متفاوت هستند؟ علل تنوع فرهنگی کشور ما چیست؟ آیا تنوع و تکثر فرهنگی در سایر کشورها هم وجود دارد؟



مس‌گری در اصفهان



نمد مالی در ایلام



بندری دوزی

دلایل تنوع و تکثر فرهنگی موجود در جامعه ایران، عبارت‌اند از:

۱- پیشینه تاریخی: گروه‌ها و اقوام مختلف با فرهنگ خاص خود، در طول هزاران سال به سرزمین ایران وارد شده و در این سرزمین سکنی گزیده‌اند. این اقوام پایه‌های جامعه ایرانی را شکل داده و جزئی از فرهنگ ایرانی شده‌اند.

۲- عوامل جغرافیایی: سرزمین پهناور و گسترده ایران ما، دارای اقلیم‌های متنوع است. شرایط متفاوت آب و هوایی، زندگی در مناطق کوهستانی، دشت‌ها، مناطق خشک، سواحل دریا و... باعث تفاوت در سبک زندگی و تنوع فرهنگی شده است و مردمان ساکن در این مناطق، برای انطباق با شرایط محیطی، نوع خاصی از لباس، غذا، ساخت خانه و معماری، مشاغل، مراسم و آیین‌ها و... را برای خود برگزیده‌اند.

۳- شرایط اقتصادی و اجتماعی: شکل‌های مختلف زندگی شهری، روستایی، عشایری و تفاوت در شرایط اقتصادی و اجتماعی را به وجود آورده است. براساس تفاوت سطح درآمدها و شرایط مادی، به‌طور طبیعی، طبقات اقتصادی و اجتماعی متفاوت شکل گرفت و نمادها، الگوها و ارزش‌های گوناگون و سبک‌های زندگی و فرهنگ‌های متنوع، پدیدار شده است.

بررسی کنید



مشاغل و حرفه‌هایی مانند شالی‌کاری در گیلان و مازندران، ماهیگیری در سواحل خلیج فارس، زعفران‌کاری در خراسان، کشت پنبه در گلستان، دامپروری در مناطق عشایری و نظایر آنها چه ویژگی‌های فرهنگی را در مناطق خود به وجود آورده است؟





به چند گروه دانش‌آموزی تقسیم شوید و درباره یکی از موضوعات زیر تحقیق کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید: ویژگی‌های فرهنگی هر یک از اقوام یا گروه‌های ایرانی، مانند: ترکمن‌ها، آذری‌ها و ترک‌زبان‌ها، بلوچ‌ها، کردها، تات‌ها، تالش‌ها، لرها، فارس‌ها،

عرب‌ها، قشقایی‌ها، شاهسون‌ها و... کدام است؟ هر یک دارای چه آداب و رسوم هستند؟ وجه مشترک فرهنگی آنها که هویت ملی ما ایرانیان را می‌سازد کدام‌اند؟

♦ تنوع فرهنگی، فرصت یا تهدید؟

هویت ملی ما ایرانیان، ترکیبی از مجموع هویت‌های دینی، ملی و قومی است که اندیشه‌ها، آداب و رسوم و محصولات فرهنگی متفاوتی را در بر می‌گیرد و به عنوان یک هویت واحد و منسجم زمینه غنا و بقای فرهنگ اسلامی - ایرانی را فراهم می‌آورد. این تنوع فرهنگی، ظرفیت‌های بالای انسانی و سرمایه‌های فراوان فکری و معنوی را برای کشور به وجود می‌آورد که در صورت هوشیاری و مدیریت صحیح، می‌تواند زمینه‌ساز رشد و تعالی کشور شود.



▲ اقوام، زبان و پیروان مذاهب مختلف در صحنه دفاع مقدس

نگاه فرصتی به تنوع فرهنگی در کشور، و تأکید بر وجوه مشترک ملی، در عین توجه به تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی (الگوی وحدت در کثرت)، راهبردی است که در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات و سیاست‌های کلی مورد توجه بوده است. این رویکرد، باعث تقویت انسجام فرهنگی و استمرار پیوستگی فرهنگی است. «یکسان‌سازی» فرهنگی و نادیده گرفتن تفاوت‌ها، باعث نارضایتی فرهنگ‌های محلی و قومی می‌شود و انسجام ملی را آسیب‌پذیر می‌سازد و می‌تواند تنوع فرهنگی را به تهدید تبدیل کند، چنان‌که برخی از دولت‌های ملی در سایر کشورهای چند فرهنگی، در دو قرن گذشته، با چالش‌های قومی، مذهبی، منطقه‌ای روبه‌رو بوده‌اند و سرمایه‌ها و امکانات مادی و معنوی آنها، در اثر جنگ‌ها و اختلافات درونی، از بین رفته است.



هندوستان، بزرگ‌ترین کشور فدرال دنیاست که با تنوع نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی، چشم‌انداز شگرفی از مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز را میان اقوام و باورهای گوناگون محقق کرده است. اکنون بیش از ۸۰ درصد هندو مذهب، در کنار بیش از میلیون‌ها مسلمان (حدود ۱۳/۵

درصد) و اقوام دیگر با ۱۸ زبان و ۱۶۵۲ گویش گوناگون، در سراسر هند وجود دارند. ویژگی‌های فرهنگی مردم این کشور بزرگ، مانند: تواضع و فروتنی، خودباوری و باور عملی به توان بومی، تلاش برای گسترش شادی و نشاط و آرامش عمومی، بها دادن به نقاط مشترک و حفظ وحدت ملی، سبب شده است تا حاکمان بتوانند از تنش‌های قومی، مذهبی و زبانی موجود بکاهند و این کشور وسیع راه با تنوع بسیار حفظ کنند و در زمره چند کشور پیشرفته و توسعه‌یافته جهان قرار دهند. آنان با سیاست‌گذاری صحیح، موفق شدند «واگرایی فرهنگی» را به «هم‌گرایی فرهنگی» تبدیل کنند.

♦ ضرورت تقویت انسجام فرهنگی

قرار گرفتن کشور مادر منطقه استراتژیک خاورمیانه، وجود منابع عظیم انرژی در آن، مرزهای آبی وسیع در خلیج فارس و دریای عمان و دسترسی آسان به آب‌های بین‌المللی، معادن و ذخایر گران‌بهای طبیعی، وجود سرمایه انسانی خلاق و با استعداد، پیروزی انقلاب اسلامی با آرمان‌های بلند ملی و جهانی و قدرت، همه و همه از ایران، کشوری با جایگاه ویژه و مقتدر ساخته است. این موقعیت، مورد



▲ خلیج فارس نماد جاودانگی ایرانیان

طمع نظام سلطه جهانی قرار گرفته است. آنها سعی می‌کنند به منظور کسب منافع خود، با ایجاد اختلافات قومی، دینی، مذهبی و دامن زدن به ناراضی‌های عمومی، زمینه تضعیف انسجام ملی و تخریب جایگاه ایران را فراهم آورند.

بنابراین، دستیابی به رشد و توسعه و بالندگی ملی، تأمین رفاه و آسایش عمومی برای مردم، حضور فعال در صحنه ملی و بین‌المللی و دفاع از منافع ملی، نیازمند وحدت ملی و انسجام فرهنگی است. هم‌گرایی و انسجام، زمینه‌ساز تقویت «هویت ملی» است تا در پرتو آن، مردم ایران به مثابه «ید واحد»، به ارزش‌های اسلامی - ایرانی وفادار بمانند و در حفظ انسجام آن بکوشند.

از میدان‌ها، خیابان‌ها، مدارس، مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی که در محل سکونت شما، به نام شخصیت‌ها و مشاهیر ملی یا استانی، نام‌گذاری شده‌اند، گزارش تصویری و مکتوب تهیه کرده و درباره آنها در کلاس، گفتگو کنید.

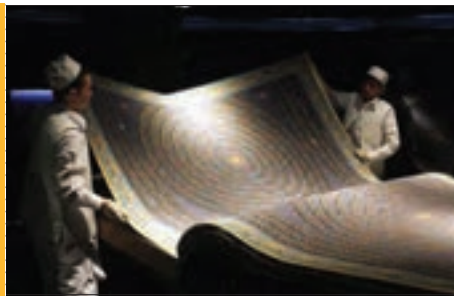


◆ عوامل انسجام‌بخش فرهنگی ما کدام‌اند؟

چه عواملی انسجام فرهنگی بین اقوام و گروه‌ها را تقویت می‌کنند؟ موانع گسترش وحدت و همدلی در بین اقوام مختلف ایران کدام‌اند؟ عناصر و عواملی که باعث تقویت انسجام فرهنگی و احساس یگانگی ملی می‌شوند و تمام اقوام و گروه‌ها، با وحدت و یکپارچگی، به آنها اعتقاد داشته و به آنها اهتمام می‌ورزند، عبارت‌اند از:

- ۱- زبان مشترک، زبان و ادبیات فارسی
- ۲- دین اسلام و ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی مشترک
- ۳- تاریخ مشترک (حافظه جمعی)
- ۴- سرزمین مشترک (وطن)
- ۵- هنرهای ایرانی (معماری، نقاشی، خط، موسیقی، صنایع دستی و...)
- ۶- نوع پوشش و الگوی حجاب
- ۷- دانشمندان، اسطوره‌ها و مفاخر دینی و ملی مشترک

- ۸- احساس وابستگی به نظام سیاسی واحد (حکومت)
- ۹- ارزش و نمادهای ملی، آداب و رسوم مشترک
- ۱۰- دشمن مشترک و تهدیدات خارجی



▲ نسخه نفیس قرآن کریم



▲ گنبد سلطانیه بزرگ‌ترین گنبد خشتی جهان در زنجان

این عناصر و وجوه مشترک، باعث شکل‌گیری انسجام ملی و فرهنگی در میان مردم ایران شده است و پیوستگی فرهنگی را استمرار بخشیده است. نمود انسجام و یکپارچگی جامعه ایران را در برخی از حوادث تاریخ معاصر مانند: انقلاب مشروطه، ملی کردن صنعت نفت، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و حمایت از هم‌وطنان آسیب‌دیده در حوادث طبیعی می‌توان مشاهده کرد.



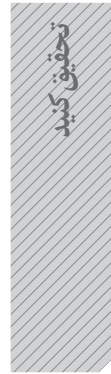
باتشکیل میزگرد فرهنگی، درباره پاسخ
سؤالات زیر، بررسی و گفتگو کنید:
به نظر شما، چگونه باید وحدت ملی
و انسجام فرهنگی را حفظ و تقویت
کرده و با عوامل تفرقه‌انگیز داخلی و خارجی مبارزه کنیم؟



بررسی کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید:

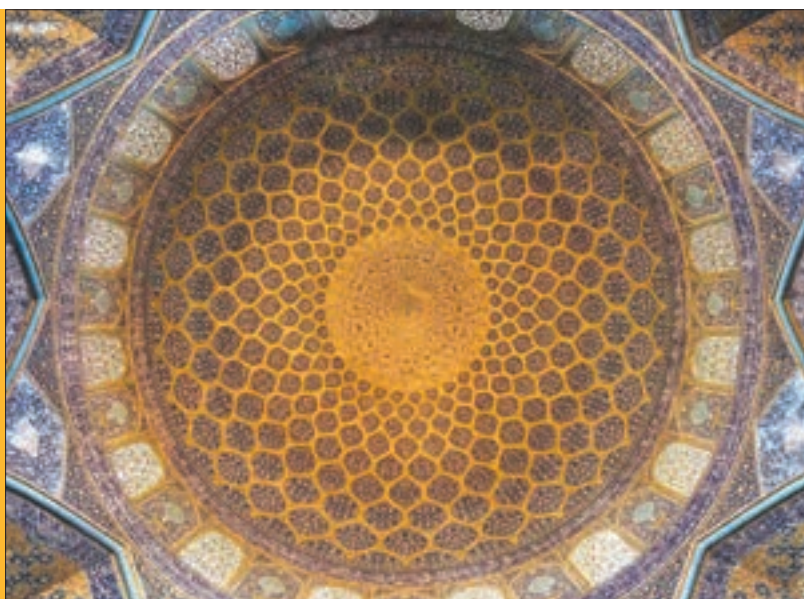
۱- به اعتقاد کارشناسان، یکی از روش‌های تقویت وحدت ملی و انسجام فرهنگی و رفع اختلاف بین افراد، گروه‌ها و اقوام، مهارت «گفتگو» کردن است که در آن، احساسات، افکار و اعمال به هم نزدیک شده و همدلی و هم‌گرایی ایجاد می‌شود. به نظر شما، «مهارت‌های گفتگو» کدام‌اند؟ گفتگوهای موفق از چه اصول و ضوابطی تبعیت می‌کنند؟

۲- آیه شریفه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» سوره زمر، آیه ۱۷ حاوی چه پیام‌ها و اصولی برای تقویت انسجام و پیوستگی فرهنگی است؟



درس سوم

فرهنگ ما ایرانیان



◆ هویت فرهنگی

ویژگی‌های فرهنگ ایرانی کدام‌اند؟ چه ویژگی‌هایی، فرهنگ ایرانی را از فرهنگ سایر کشورها و ملت‌ها جدا می‌سازد؟



هر فرهنگ، ویژگی‌ها و خصوصیتی دارد که آن را از دیگر فرهنگ‌ها متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها در تمام بخش‌های زندگی مردم یک جامعه حضور دارد و سبک زندگی آنان و «شخصیت» فردی و اجتماعی ایشان را شکل می‌دهد. از این ویژگی‌ها تحت عنوان «هویت فرهنگی» یاد می‌شود.

«هویت فرهنگی» یک جامعه، مجموعه‌ای

از ویژگی‌های اساسی و بنیادی است که در طول تاریخ شکل گرفته و به واسطه آنها، مردم یک جامعه، «خود» را شناخته و به آن «تعلق» دارند و خود را با آنها معرفی کرده و از «دیگران» متمایز می‌کنند. «هویت فرهنگی» تمام سطوح و لایه‌های فرهنگ را در برمی‌گیرد و شامل فرهنگ محسوس و فرهنگ غیر محسوس می‌شود.

◆ ویژگی‌های فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی، همانند فرهنگ سایر ملت‌ها، در طول زمان، تغییرات و تحولاتی را تجربه کرده است و ارزش‌ها و هنجارهای آن، فرازاها و فرودهایی داشته است، اما توانسته است «هویت فرهنگی» خویش را حفظ کند و با تکیه بر این هویت و ویژگی‌ها، از «تداوم و پیوستگی فرهنگی» و «انسجام فرهنگی» برخوردار باشد. همین ویژگی‌ها، «فرهنگ ایرانی» را از فرهنگ اروپایی، آفریقایی، یونانی و... متمایز ساخته و بیانگر هویت و شخصیت ملت ایران در طول تاریخ است. برخی از ویژگی‌ها و عناصر محوری هویت فرهنگی ما ایرانیان عبارت‌اند از:

۱- توحید و معنویت گرایی:



فرهنگ ایرانی از دیرباز (قبل و بعد از ورود اسلام به ایران)، گرایش قوی به امور معنوی، الهی و دینی داشته است. ایرانیان از گذشته‌های بسیار دور، بر اساس فطرت و سرشت الهی خویش، به خداوند یکتا اعتقاد داشته و آن را می‌پرستیدند. آنها با وجود داشتن برخی باورهای خرافی و اساطیری در پاره‌ای محدود از تاریخ فرهنگی، (مانند پرستش الهه‌های آب، آتش، باران و...) نوعی وحدانیت در اندیشه و آیینشان وجود داشته

است. در ایران همواره دین، نقش اساسی در جامعه داشته و ایرانیان زندگی و امور جاری خود را با اصول دینی و معنوی هماهنگ کرده‌اند. با پذیرش آزادانه و داوطلبانه اسلام توسط نیاکان ما، این ویژگی فطری و الهی در آنان تقویت شد و اعتقاد به خدای واحد در تمام زوایای فرهنگ ایران جریان پیدا کرده است.

۲- محبت و احترام به پیامبر و اهل بیت ایشان علیهم السلام:

نیاکان ما پس از پذیرش اسلام و آشنایی با اولیای الهی این دین، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خویش و روحیاتی مانند عدالت خواهی، عقلانیت و ظلم ستیزی، به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و خاندان بزرگوار ایشان ارادت خاص داشته و خود را از دوستان و پیروان معصومین علیهم السلام می‌دانستند و تا کنون این ویژگی فرهنگی را حفظ کرده‌اند.

ما ایرانیان به روش و سیره ائمه اطهار علیهم السلام علاقه‌مند بوده و روح فرهنگ خود را در پیوندی ناگسستنی با ایشان می‌بینیم. تمام اقوام و مذاهب ایرانی، احترام ویژه‌ای برای امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام قائل هستند و همه ساله در ایام محرم به سوگ می‌نشینند. گویی فرهنگ ایرانی با فرهنگ نبوی و علوی و فرهنگ عاشورا گره خورده است. مفهوم شهادت و جهاد در راه عقیده با الهام از حادثه کربلا، به یکی از عناصر اصیل فرهنگ ما تبدیل شده و در طول تاریخ، باعث پایداری و ماندگاری ایران بوده است.

بررسی کنید



مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در کشور با شرکت نمایندگان کشورهای مختلف برگزار می‌شود. این حرکت فرهنگی، چه تأثیری در همگرایی و وحدت مسلمانان و جهان اسلام دارد؟



۳- نوع دوستی و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران:

نیاکان ما، همواره ملتی نوع دوست بوده‌اند و زندگی مهربانانه و مسالمت‌آمیز با دیگر اقوام و جوامع داشته‌اند. حکومت‌ها در ایران، به جز موارد اندک، کمتر به فکر خشونت و تعدی به همسایگان بوده‌اند و در جنگ با دیگران نیز ارزش‌های انسانی را رعایت می‌کرده‌اند.

نمونه‌های بارز این نوع دوستی را در جنگ‌های کوروش و داریوش، از پادشاهان هخامنشی، و روش برخورد آنان با اسیران کشورهای مغلوب و نیز با همسایگان می‌توان مشاهده کرد.



متن‌شور کوروش

۴- سازگاری و وحدت گرایی:

جامعه و فرهنگ ایران، جامعه‌ای متنوع و متکثر است و علی‌رغم این تفاوت‌ها و تمایزها، اقوام ایرانی، در طول سالیان دراز، زندگی مسالمت‌آمیز و وحدت‌گرا با هم داشته‌اند. هر یک از این اقوام، در طول تاریخ، به دفعات اداره حکومت و دولت را به دست گرفته‌اند و برای حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی و اعتلای کشور جان‌فشانی کرده‌اند. آنان، تلاش برخی از گروه‌ها را که سعی در واگرایی و از بین بردن وحدت ملی و انسجام فرهنگی داشته‌اند، خنثی نموده‌اند. این وحدت و هم‌گرایی در دهه‌های اخیر، با حضور رزمندگان افتخارآمیز از اقوام و مذاهب مختلف در کنار هم و در دوران دفاع مقدس، باعث سربلندی و پایداری کشور شده است.

کار گروهی

زندگی چند نفر از سرداران نام‌آور دفاع مقدس از اقوام و مذاهب مختلف را مطالعه و نقش آنان را در وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور بررسی کنید و نتیجه یافته‌های خود را در کلاس درس ارائه کنید.

۵- برخورداری از ذوق بالای ادبی و هنری:

وجه باطنی فرهنگ، در هنر و ادبیات متجلی می‌شود و ایرانیان، همانند برخی از ملت‌ها، ملتی ادب‌پرور و هنردوست هستند و فرصت بروز استعدادهای هنری و ادبی خویش را داشته‌اند. زبان شیرین فارسی، یکی از ویژگی‌ها و عناصر هویتی فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید. این زبان، وسیله اتصال و ارتباط همه خرده فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی و عنصر وحدت آفرین و انسجام‌بخش ملی بوده است.

هنر ایرانی، همچون هنر برخی از اقوام و ملت‌های هنردوست و هنرپرور دیگر، در رشته‌های مختلف (نظیر معماری، هنرهای دستی، شعر، هنرهای تجسمی و...) چون ستاره‌ای درخشان در آسمان فرهنگ بشری می‌درخشد و علاقه‌مندان بسیاری را در طول تاریخ و از سرزمین‌های مختلف، به خود جلب کرده و به تحسین واداشته است.



▲ مقبره سعدی - شیراز



▲ بخشی از تابلوی نیایش - اثر استاد محمود فرشچیان

اعجاب معماری ایرانی در طراحی و ساخت تخت جمشید، بادگیرهای یزد، مسجد امام اصفهان، بازار و کیل شیراز، مسجد ارگ تبریز، چغازنبیل خوزستان، گنبد سلطانیه زنجان، حرم امام رضا (ع) و... زیانزد عام و خاص است.

آیا در شهر و استان شما، موزه، ابنیه تاریخی، صنایع دستی و... وجود دارد؟ در صورت وجود داشتن، ضمن بازدید از آنها، با تهیه عکس و فیلم و گزارش، اهمیت و ارزش آن را در کلاس بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.



ایران از نظر صنایع دستی، کشوری ریشه دار و کهن است. کاوش های باستان شناسی، حکایت از به هم پیوستگی صنایع دستی در ایران دارد. سفالینه های لعاب دار و ساخت چرخ سفالگری، در هزاره های ششم تا چهارم پیش از میلاد، ثبت شده است. روح هنرمندی و پیوستگی تاریخی در این صنایع، به گونه ای است که هر ناظر داخلی و گردشگر خارجی را در نقوش و ظرافت خود غرق می کند. «رومن گیرشمن» ساخت ارابه های چهار چرخ، پرورش اسب، معماری طاق های هلالی گنبدی شکل را از اختراعات ایرانیان می داند که توسط ایلامی ها به سومر و از آنجا به دیگر نقاط جهان رفته و رواج یافته است. کشف فلز و ذوب آن و مراحل فلز کاری به هزاره چهارم پیش از میلاد در تپه چایونو در فلات مرکزی و تپه قبرستان در قزوین و همچنین در تل ابلیس استان کرمان و سیلک کاشان و اختراع مفرغ توسط ایرانیان در مناطقی از زاگرس می رسد. صنعتگران، با ذوب مس و ریختن آن در قالب ها، ابزارها و ادوات متعدد، مانند تبر، چکش، تیغ خنجر، سوزن، سنجاق و قلم تولید می کردند و آنها را جایگزین انواع مشابه سنگی یا استخوانی می کردند.^۱

۶- خانواده گرایی:

در فرهنگ ایرانی، خانواده دوستی، یک ارزش و فضیلت محسوب می شده است. نیاکان ما، همواره به خانواده و اصول اخلاقی حاکم بر آن، توجه داشته و به مسئله تعلیم و تربیت فرزندان اهتمام داشته اند. در طول تاریخ، در پی تهاجم دشمنان، اگرچه گاهی حکومت و دولت سیاسی در ایران، از بین رفته است، اما هیچ گاه ارزش و جایگاه خانواده تضعیف نشده است و یکی از رموز ماندگاری فرهنگ و هویت ایرانی، ماندگاری خانواده، به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی بوده است.

زن ایرانی، همواره مظهر عفت و پاکدامنی و شایسته نقش مادری بوده و محور و اساس خانواده ایرانی به شمار می آمده است. آنان از هزاران سال پیش، مقید به پوشش مناسب بوده و مردان ایرانی غیرتمندانه از نهاد خانواده حمایت کرده اند. مراسم خواستگاری، نامزدی، ازدواج، از آداب و سنت های ایرانی بوده و دختران و پسران ایرانی، زندگی خود را با ازدواج تکمیل شده می دانند.

۱- کتاب «ایران مینیاتور جهان» تألیف: دکتر سیداحمد طباطبایی

امروزه نیز، ما با الهام از تعالیم دینی و اسلام، به خانواده، پاکدامنی و عفت و رعایت آداب و رسوم ازدواج، علاقه‌مند و وفاداریم و در برابر امواج سهمگین مدرنیته و فرهنگ غربی، مقاومت می‌کنیم. احترام به والدین، بزرگسالان و بزرگان فامیل و جامعه، مهمان‌نوازی و سفره‌آرایی در میان ما ایرانیان رایج بوده و مورد توجه است.

۷- سازگاری با محیط زیست:

نیاکان ما، به خوبی قدر طبیعت و مواهب آن را می‌دانسته‌اند. به آب، خاک، خورشید، هوا، درخت و حیوانات احترام می‌گذاشتند. در فرهنگ اسلامی، طبیعت به عنوان آیت و نشانه الهی و نعمت خداوندی می‌باشد و نمی‌توان به هر شکل و به هر میزان از آن استفاده کرده و یا آن را تخریب نمود. ایرانیان، چون همواره با مشکل کم‌آبی روبه‌رو بوده‌اند، به شیوه‌های خلاقانه تأمین آب دست یافته‌اند. قنات، سدسازی، بندهای انحرافی و نهرها از مهم‌ترین روش‌های استفاده بهینه از نعمت آب بوده است. ایرانیان به درستی، راه و روش زندگی در مناطق کویری، کوهستانی، جنگلی و ساحلی را فرا گرفته و طی صدها سال، خود را در مقابل حوادث طبیعی ایمن کرده بودند. این هوشمندی در ساخت و ساز ساختمان‌ها، نوع پوشش و سبک زندگی آنان و متناسب بودن آنها با شرایط محیطی، به خوبی در جای جای کشور مشهود است.

«مسئله» زیربررسی و تجزیه و تحلیل کنید:

چرا علی‌رغم پیشینه فرهنگی مثبت در حوزه محیط زیست، امروزه، اخلاق زیست‌محیطی و فرهنگ حفاظت از محیط زیست و تمیز نگهداشتن محیط زندگی (مانند کوچه‌ها، خیابان‌ها، مسیر کوه‌پیمایی، ساحل دریا و...)، در جامعه ما ضعیف شده است؟ برای حل این «مسئله فرهنگی و اجتماعی» چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌کنید؟

۸- فتوت:

فتوت، به معنای جوانمردی، میراث گران‌بهایی از فرهنگ اسلامی-ایرانی ماست که در روزگار بحرانی جامعه، به قوام و انسجام ملت ما کمک رسانده و آن را تداوم بخشیده است. روحیه فتوت و جوانمردی، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگی ایران باستان، در دوران اسلامی، با الهام از معارف قرآنی و تاسی به روش زندگانی امام علی علیه السلام، تقویت و نهادینه شد و تا قرن‌ها، جوانان و پهلوانان ایرانی در اصناف و پیشه‌های مختلف، روحیه جوانمردی و مردانگی را در دفاع از مظلومان و محرومان برومی‌داده‌اند.



تجلی فتوت و جوانمردی را در آداب و رسوم پهلوانی و ورزش باستانی می‌توان مشاهده کرد. صفاتی مانند: دلاوری، بخشش، زیان کسی را به سود خود نخواستن، امانت‌داری، مهمان‌نوازی، از ویژگی‌های «فتیان»، «عیاران»، «پهلوانان» و «جوانمردان» است که این صفات را در خود پرورش می‌دادند. داستان زندگانی قهرمانانی مانند «آرش کمانگیر»، «سیاوش در شاهنامه»، پوریای ولی، شهید همت، شهید حججی، از گذشته‌های دور تاکنون، بیانگر روحیات جوانمردی در بین ما ایرانیان است که سرگذشت آنان در «فتوت نامه‌ها» و کتاب‌های تاریخی ثبت شده است.

بررسی کنید

روحیه جوانمردی در زندگی جهان پهلوان تختی به‌ویژه در مسابقه او با الکساندر مدودی در فینال مسابقات کشتی ۱۹۶۲ تولیدو را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

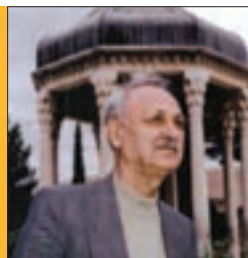


۹- آرمان خواهی واقع‌بینانه:

ایرانیان طی قرن‌ها زندگی و تشکیل انواع حکومت، به دنبال آرمان‌های والایی همچون برقراری عدالت، آزادی، ظلم‌ستیزی و حرکت به سوی تشکیل جامعه به دور از ظلم، فساد و تبعیض بوده‌اند. اندیشه تأسیس حکومت عادلانه، سالم و انسانی که تحت تأثیر اندیشه مهدویت و تشکیل حکومت جهانی امام زمان (عج) بوده، همواره در روح و روان ایرانیان حضور داشته و دارد. البته این آرمان‌گرایی، هیچ‌گاه با روش‌های خشونت‌آمیز غیرعقلانه و تجاوز به دیگران دنبال نشده، بلکه با میانه‌روی و صلح‌دوستی توأم و آمیخته بوده است.



من وقتی در باب گذشته ایران تأمل می‌کنم، از اینکه ایرانی‌ها دنیا را به نام دین یا به نام آزادی به آتش و خون نکشیده‌اند، از اینکه مردم سرزمین‌های فتح شده را قتل عام نکرده‌اند و دشمنان خود را گروه‌گروه به اسارت نبرده‌اند، از اینکه در روزگار قدیم یونانی‌های مطرود را پناه داده‌اند؛ ارامنه را در داخل خانه خویش پذیرفته‌اند؛ جهودان و پیغمبرانشان را از اسارت بابل نجات داده‌اند؛ از اینکه در قرن‌های گذشته جنگ صلیبی بر ضد دنیا راه نینداخته‌اند و محکمه تفتیش عقاید درست نکرده‌اند؛ از اینکه ماجرای سن بارتلمی نداشته‌اند و با گیوتین



بیشتر بدانیم

سر مخالفان را درو نکرده‌اند؛ از اینکه جنگ گلاادیاتورها و بازی‌های خونین با گاو خشم‌آگین را وسیلهٔ تفریح نشمرده‌اند؛ از اینکه سرخ‌پوست‌ها را ریشه کن نکرده‌اند و بوئر‌ها را به مرز نابودی نکشانیده‌اند؛ از اینکه برای آزار مخالفان ماشین‌های شیطانی شکنجه اختراع نکرده‌اند و اگر هم بعضی عقوبت‌های هولناک در بین مجازات‌ها و... بوده، آن را همواره به چشم یک پدیدهٔ اهریمنی نگریده‌اند، و از اینکه روی هم رفته ایرانی‌ها به اندازهٔ سایر اقوام کهنسال دنیا، نقطه ضعف اخلاقی نشان نداده‌اند، احساس آرامش و غرور می‌کنم.

دکتر عبدالحسین زرین کوب، ایران‌شناس و تاریخ‌شناس برجسته معاصر

«مسئله» زیر را تجزیه و تحلیل کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفتگو کنید:

چرا برخی از مستشرقان غربی و نویسندگان داخلی، اکثر ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان را «سیاه» و «منفی» معرفی می‌کنند؟ آثار و پیامدهای این «سیاه‌نمایی» چیست؟ آیا ملتی که سابقه فرهنگی چند هزار ساله دارد، می‌تواند فاقد ویژگی‌های مثبت و ارزشمند فرهنگی باشد؟

برخی از محققان، جهانگردان و ایران‌شناسان، در کنار ویژگی‌ها و صفات مثبت فرهنگ ایرانیان، به بعضی از صفات منفی و ناپسند ما هم اشاره کرده و سعی در بزرگ‌نمایی آنها داشته‌اند؛ صفاتی مانند: ضعف فرهنگ کارگروهی، عدم انتقادپذیری، احساساتی بودن، بیگانه‌هراسی، تملق و دورویی، دروغ‌گویی، مصرف‌گرایی، خودخواهی و خودمداری و فردگرایی. هرچند شاید سطوحی از این خلق و خواها، عادات و روحیات، در برخی از ما ایرانیان وجود داشته باشد، اما هویت فرهنگ ایرانی، نباید به این صفات فرو کاسته شود و به روحیه منفی‌گرایی دامن زده شود، بلکه باید به‌عنوان یک فرد ایرانی، برای پالایش و اصلاح خلق و خواهای منفی مذکور اقدام کنیم. اگر آن چنان که تعدادی از مستشرقان ادعا کرده‌اند، ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان، اکثراً منفی و غیراخلاقی است، این قوم و ملت نمی‌توانست چند هزار سال در تاریخ این سرزمین، دوام آورده و تمدن ساز و فرهنگ آفرین باشد. استمرار فرهنگی ما ایرانیان در طول هزاران سال، علی‌رغم حملات شدید سایر اقوام و تندبادهای فراوان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نشانگر صفات و ویژگی‌های مثبت، امیدبخش و افتخار آفرین است که این ملت را در برابر حوادث مقاوم و پایدار کرده است. این ویژگی‌ها را باید شناخت و از آنها صیانت کرد. رمز «تداوم و پیوستگی فرهنگی»، اصالت ارزش‌های فرهنگی و «خودباوری فرهنگی» است.



شعر «سفر به خاطر وطن» را حفظ کرده و به صورت سرود دسته جمعی اجرا کنید:
ما برای آنکه ایران، خانه خوبان شود، رنج دوران برده‌ایم